متهم به قتل اعتراف کرد

رمزگشایی از جنایت هولناک در مجتمع مسکونی!



سید خلیل سجادپور
info@khorasannews.com

جوانی که از اسفند سال گذشته تاکنون در زندان به سر می برد و مدعی بود یکی از متهمان فراری پرونده، مرتکب قتل شده است و من فقط در نزاع شرکت داشتم بالاخره در بازجویی های تخصصی کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی که با دستورهای ویژه مقام قضایی صورت گرفت به ارتکاب جنایت اعتراف کرد.

به گزارش اختصاصی خبرنگار ارشد روزنامه خراسان، بیستم فروردین سال ۱۴۰۲، نزاعی مقابل یک مجتمع مسکونی آپارتمانی در کوی امیرالمومنین(ع) مشهد رخ داد که در این میان فردی به نام «محمد-م» براثر ضربه چاقو جان سپرد و چند نفر دیگر نیز مجروح شدند. ساعتی بعد با گزارش این ماجرای هولناک به قاضی وقت ویژه قتل عمد مشهد، بلافاصله قاضی «محمودعارفی راد» عازم محل درگیری شد و تحقیقات قضایی در حالی ادامه یافت که ۳ تن از عاملان اصلی این جنایت متواری شده بودند. از سوی دیگر با دستورهای محرمانه مقام قضایی برخی از عوامل مرتبط با جنایت مذکور دستگیر شدند و تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه متهمان دیگر با انتشار تصاویر بدون پوشش آن ها در صفحه حوادث روزنامه خراسان ادامه یافت و رصدهای اطلاعاتی وارد مرحله جدیدی شد. این تحقیقات گسترده شبانه روزی بالاخره نتیجه داد و گروه ویژه کارآگاهان به سرپرستی سرگرد رجبی (افسر پرونده) موفق شدند هفتم اسفند سال گذشته، یکی دیگر از متهمان فراری را با دستورهای تخصصی قاضی «وحید خاکشور» (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) دستگیر کنند.


عکس اختصاصی خراسان

اما این متهم که «حسین» نام دارد در بازجویی ها ارتکاب جنایت را انکار کرد و مدعی بود «امین» (یکی دیگر از متهمان فراری) ضربه چاقو را به «محمد-م» وارد آورده است در همین حال قاضی ویژه پرونده های جنایی که اظهارات متهم را مطابق با واقعیت نمی دانست و براساس شواهد و دلایل مستند یقین داشت متهم مذکور نقش اصلی را در وقوع جنایت دارد، با صدور قرار قانونی او را روانه زندان کرد تا بررسی های بیشتری در این باره صورت گیرد.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با گذشت حدود ۹ ماه از این ماجرا، متهم مذکور دوباره با راهنمایی های مقام قضایی به پلیس آگاهی هدایت شد و اما این بار هنگامی که در برابر مدارک انکارناپذیر قرار گرفت به ناچار لب به اعتراف گشود و از جنایت در مجتمع مسکونی رافاش کرد. او گفت: به خاطر این که می ترسیدم با اعتراف من، مادرم دچار ناراحتی های روحی شود و از سوی دیگر هم پولی در بساط نداشتیم، نمی خواستم به قتل اعتراف کنم!

وی درباره چگونگی وقوع قتل نیز گفت: وقتی درگیری در مقابل واحدهای آپارتمانی شروع شد، من دیدم که «محمد-م» (مقتول) با چماق ضربه ای محکم به سر پدرم کوبید و او را نقش برزمین کرد. تصورم این بود که پدرم فوت کرد به همین دلیل من هم به سوی آن ها هجوم بردم که «محمد» ابتدا ضربه ای با همان چماق به من زد ولی ضربه دوم او را با دست گرفتم و تیغه چاقو را به پهلویش فرود آوردم. بعد هم به تهران گریختم و در آن جا در یک کارواش مشغول کار شدم که چاقو را نیز به یک جوان تبعه افغانستان دادم.

متهم این پرونده جنایی معترف شد وقتی دوباره به مشهد بازگشتم کارآگاهان پلیس آگاهی به سراغم آمدند و مرا دستگیر کردند.

سابقه خبر

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است ماجرای این پرونده جنایی بیستم فروردین سال ۱۴۰۲ هنگامی شروع شد که چند برادر و خواهر قرار بود در مراسم افطاری برادر بزرگ ترشان در یکی از روستاهای اطراف شرکت کنند به همین خاطر یکی از مهمانان به مجتمع مسکونی کوی امیرالمومنین (ع) رفت تا به همراه برادرزاده هایش که از حدود ۲ ماه قبل در آن مجتمع ساکن شده بودند به مراسم افطاری بروند اما وقتی به مقابل واحدهای آپارتمانی رسید دختری از ساختمان بیرون آمد و به او گفت: با اهالی این خانه کار دارید؟ مرد جوان نیز با عصبانیت پاسخ داد که مگر شما مفتش محل هستی؟ این گونه بود که مشاجره لفظی بین آن ها شروع شد و در این هنگام دختر جوان زنگ منزل خودشان را به صدا درآورد و برای برادرش از توهین های مرد غریبه گلایه کرد. این گلایه های توام با گریه موجب شد تا «وحید» (برادر دختر) از خانه بیرون بیاید و درگیری آغاز شود. طولی نکشید که با تماس های تلفنی طرفین عده کشی شد و نزاع هولناک به گونه ای ادامه یافت که در نهایت عموی دختر مذکور به قتل رسید و چند نفر هم مصدوم شدند. بررسی های بیشتر در این باره با نظارت سرهنگ محمدهمتی جوانمرد (رئیس اداره جنایی آگاهی خراسان رضوی) ادامه دارد.

درعملیات شبانه پلیس مشهد رقم خورد

پایان سرقت های «چراغ خاموش»!

سید خلیل سجادپور- نیروهای کلانتری شفای مشهد با طرح ریزی عملیات مراقبتی هدفمند در حوزه استحفاظی، موفق شدند به سرقت های موتورسوارانی پایان دهند که به صورت «چراغ خاموش» به خودروهای پارک شده مردم در حاشیه خیابان ها و کوچه های فرعی دستبرد می زدند.

به گزارش اختصاصی خبرنگار ارشد روزنامه خراسان، به دنبال افزایش صعودی پرونده های سرقت محتویات خودروها و گزارش این ماجرا به سرگرد احسان سبکبار (رئیس کلانتری شفا) بلافاصله جلسه تحلیلی جرم در اتاق فرماندهی تشکیل شد و ماجرای سرقت های مذکور زیر ذره بین تحقیقات کارشناسی قرار گرفت. بررسی پرونده های مذکور بیانگر آن بود که همه سرقت ها در تاریکی شب و با یک شیوه خاص صورت گرفته است. به همین دلیل گروه ویژه ای از نیروهای گشت نامحسوس و افسران کارآزموده تجسس، ماموریت یافتند تا با طرح ریزی یک عملیات هدفمند، به سرقت های مذکور در شمال و شمال غربی مشهد پایان دهند.

بنا بر این گزارش، طولی نکشید که بازبینی چندین دوربین ترافیکی در محدوده های ارتکاب جرم نشان داد در ساعات وقوع سرقت، یک دستگاه موتورسیکلت هوندا با «چراغ خاموش» در مکان های مذکور دیده می شود و روی پلاک آن نیز پوشانده شده است! با این سرنخ مهم، عملیات گشت های هدفمند و مراقبتی در مکان های احتمالی تردد دزدان موتورسوار با نظارت مستقیم رئیس کلانتری آغاز شد و عوامل انتظامی با بهره گیری از شگردهای پلیسی، در نقاط مختلف حوزه استحفاظی مستقر شدند تا این که چند روز قبل یکی از گشت های خودرویی هنگام استقرار در خیابان هدایت ۳۵، ناگهان به موتورسوارانی برخورد کردند که به صورت «چراغ خاموش» و بی هدف در حال پرسه زنی بودند. نیروهای انتظامی بی درنگ آن ها را زیر نظر گرفتند و به طور نامحسوس به تعقیب موتورسواران پرداختند. هنوز ساعتی از عملیات تعقیب و مراقبت نگذشته بود که موتورسواران در کنار یک دستگاه خودروی پارک شده به گونه ای توقف کردند که در تاریکی شب دیده نشوند! در همین حال ترک نشین موتورسیکلت که انبری را در دست می فشرد، از موتورسیکلت پیاده شد و تلاش کرد تا در خودرو را باز کند. در این شرایط نیروهای گشت به طرف وی حرکت کردند اما راکب موتورسیکلت که اطراف را می پایید در یک لحظه به اوضاع مشکوک شد و در حالی که فریاد می زد «فرار کن!» گاز موتورسیکلت را فشرد و در تاریکی شب به درون کوچه های فرعی گریخت اما جوان سارق که در محاصره پلیس قرار گرفته بود، راه گریزی پیدا نکرد و در حالی به مقر انتظامی انتقال یافت که یک قبضه چاقو نیز از زیر پیراهن وی کشف شد. این جوان ۳۴ ساله که خود را «احمد-س» معرفی می کرد با بیان این که به موادمخدر صنعتی و قرص های مخدر دار مانند متادون اعتیاد دارد به افسران دایره تجسس گفت: چندفقره سابقه کیفری در زمینه سرقت دارم و اکنون نیز قصد دستبرد به خودروی پارک شده در حاشیه خیابان هدایت را داشتم که توسط نیروهای انتظامی دستگیر شدم. این دزد حرفه ای که مدعی بود طی روزهای گذشته فقط به محتویات ۱۵ خودرو دستبرد زده و اموال سرقتی را نیز به مالخرانی در مناطق اسماعیل آباد و بولوار توس فروخته است در ادامه بازجویی ها معترف شد من فقط نام دوستم را که با موتورسیکلت هوندا متواری شد، می دانم که «مجید» نام دارد ولی هیچ شناختی از او ندارم و نشانی و شماره تلفنش را هم نمی دانم!

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است تحقیقات بیشتر برای دستگیری متهم فراری و دیگر افراد مرتبط با سرقت های چراغ خاموش ادامه دارد.


عکس اختصاصی خراسان

رهایی قاتل از قصاص با گذشت اولیای دم

توکلی- فردی که در ۱۶ سالگی در یک نزاع دسته جمعی مرتکب قتل شده بود، با گذشت اولیای دم پس از ۶ سال از قصاص رهایی یافت. به گزارش خراسان، دادستان عمومی و انقلاب کرمان گفت: پس از گذشت ۶ سال از وقوع یک قتل در جریان نزاع دسته جمعی و با ورود قاضی اجرای احکام زندان به موضوع، اولیای دم مقتول با اعلام رضایت، این محکوم به قصاص را بخشیدند.

قاضی مهدی بخشی افزود: این پرونده مربوط به فردی است که شش سال قبل و در ۱۶ سالگی در یک درگیری دسته جمعی مرتکب قتل شد و پس از رسیدگی قضایی، حکم قصاص برای متهم صادر شد. وی ادامه داد: طی سال های گذشته دستگاه قضایی، قاضی ناظر زندان، مددکاران زندان، اعضای شورای حل اختلاف، صلح یاران، بزرگان و ریش سفیدان محلی تلاش های فراوانی برای ایجاد صلح و سازش میان طرفین انجام دادند که در نهایت خانواده مقتول با گذشت از حق قصاص، رضایت خود را اعلام کردند. وی خاطرنشان کرد: اقدام اولیای دم در گذشت از قصاص در اجرای پویش «به عشق حضرت فاطمه(س) می بخشم»، علاوه بر نجات جان یک جوان، زمینه بازگشت آرامش به خانواده ها و جامعه را فراهم کرد که نمونه ارزشمندی از فرهنگ عفو و گذشت در جامعه اسلامی است. این مقام قضایی ضمن تشکر از تلاش های خالصانه مدیرکل زندان های استان و رئیس زندان کرمان تاکید کرد: دستگاه قضایی همواره از رویکردهای صلح و سازش حمایت می کند و این پرونده نشان داد که با تلاش جمعی و ترویج فرهنگ گذشت، می توان بسیاری از اختلافات و پرونده های سنگین را به سرانجامی مسالمت آمیز رساند.

در امتداد تاریکی

ماجرای ازدواج دختر شیشه ای!

دو ساله بودم که فرزند طلاق نام گرفتم. پدر و مادرم در حالی از یکدیگر جدا شدند که به هیچ وجه نمی توانستند به دلیل تنگدستی و نداشتن تفاهم با هم زندگی کنند. در این شرایط من و خواهر بزرگ ترم به آغوش مادربزرگم پناه بردیم. پدرم که فقط تحصیلات ابتدایی داشت با کارگری در ساختمان ها، مخارج اندکی برای نگهداری از من به مادربزرگم می پرداخت. اما من هنوز کودکی خردسال بودم و از تباهی آینده ام چیزی نمی دانستم.

مادرم نیز به مکان نامعلومی رفت و دیگر هیچ وقت به سراغ من و خواهرم نیامد. با همه این سختی ها و کاستی ها باز هم خوشحال بودم و به تحصیلاتم در خانه مادربزرگ ادامه می دادم. در دبیرستان رشته تجربی را انتخاب کردم به امید این که روزی پزشک شوم و به همه این تلخکامی ها خاتمه بدهم.

خواهرم که ۵ سال از من بزرگ تر بود، ازدواج کرد و به دنبال سرنوشت خودش رفت اما من وقتی به سن نوجوانی رسیدم دیگر مادربزرگم توان مراقبت از مرا نداشت به همین دلیل هم به ناچار نزد پدرم بازگشتم و سعی کردم همه حواسم را روی درسم تمرکز کنم ولی روزگار به گونه دیگری رقم خورد.

یک روز در مسیر مدرسه با دختر جوانی به نام «سپیده» آشنا شدم. او دختر مهربان و خوبی بود به طوری که پای درددل هایم می نشست و من سرگذشت تلخ خودم را برایش بازگو می کردم. دیگر به سپیده خو گرفته بودم و بیشتر اوقاتم را با او می گذراندم. اما «سپیده» با همه مهربانی هایش، دختری شکست خورده بود و به مصرف موادمخدر صنعتی اعتیاد داشت. او هم که مانند من فرزند طلاق بود خیلی زود به من هم پیشنهاد مصرف داد تا به قول او اندکی به آرامش برسم!

آن زمان ۱۷ سال بیشتر نداشتم و از فرجام وحشتناک استعمال موادمخدر چیزی نمی دانستم. این بود که در همان دوران خامی و بی تجربگی معتاد شدم. پدرم ۶ ماه بعد متوجه اعتیادم شد و مرا به مرکز ترک اعتیاد برد ولی به محض این که از مرکز ترک اعتیاد بیرون آمدم، دوباره پنهانی به سراغ «سپیده» رفتم و به مصرف شیشه ادامه دادم. پدرم بارها تلاش کرد تا مرا از این منجلاب وحشتناک بیرون بکشد اما فایده ای نداشت و من در این لجنزار دست و پا می زدم.

بالاخره درس و مدرسه را رها کردم و از پاتوق های استعمال موادمخدر و قمارخانه ها سردرآوردم. به خاطر چهره زیبایی که داشتم، خیلی مورد توجه معتادان و خلافکاران قرار می گرفتم ولی سعی می کردم تنها سرمایه زندگی ام را حفظ کنم. خلاصه در یکی از همین قمارخانه ها بود که با «رحیم» آشنا شدم. او دزد قطعات و محتویات خودروها بود و همه اموالی را که سرقت می کرد برای تهیه شیشه به مالخران می فروخت. هنوز مدت زیادی از ارتباط غیراخلاقی من و رحیم نگذشته بود که فهمیدم باردار شده ام. «رحیم» نیز بلافاصله مرا به عقد موقت خودش درآورد و من دوران بارداری ام را به منزل مادر او رفتم ولی بعد از یک ماه، «رحیم» به جرم سرقت دستگیر و روانه زندان شد. من هم تصمیم گرفتم به خاطر دخترم که قرار بود به دنیا بیاید، مصرف شیشه را کنار بگذارم تا دخترم معتاد نشود! آن جا بود که فهمیدم به «رحیم» علاقه مند شده ام و او را دوست دارم! به همین دلیل به مراقبت از خودم پرداختم تا این که «سولماز» به دنیا آمد و رحیم نیز از زندان آزاد شد. فکر کردم حالا که «رحیم» هم در زندان اعتیادش را ترک کرده است در کنار یکدیگر زندگی شیرینی را می گذرانیم اما او همان روز اول آزادی، دوباره بساط مصرف شیشه را پهن کرد و خلافکاری هایش را ادامه داد. من هم که با دیدن استعمال مواد مخدر، دوباره وسوسه شده بودم، به روزهای تلخ گذشته بازگشتم و به مصرف شیشه پرداختم. «رحیم» مرا کتک می زد که ترک کنم اما وسوسه شیطانی رهایم نمی کرد. به ناچار برای تهیه مخارج اعتیادمان، باز هم به سرقت روی آوردیم.

حالا شیوه و شگرد دیگری را که «رحیم» آموخته بود به کار گرفتیم و این بار با همدستی هم، به سرقت از آگهی دهندگان سایت دیوار روی آوردیم و با ترفند «رسید جعلی» اموال مردم را می ربودیم. بعد از گذشت مدتی از این روش سرقت، بالاخره نیروهای کلانتری امام رضا(ع) به سراغ من آمدند و ۴ ماه قبل هر دو نفر دستگیر شدیم. در این وضعیت، دختر خردسالم نزد مادرشوهرم بود و من در زندان متوجه شدم باز هم باردار هستم! اکنون قصد دارم به یک زندگی معمولی بازگردم اما خودم نیز تردید دارم ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است با صدور دستورهای ویژه ای از سوی سرهنگ علی اصغر زرین کاسه (رئیس کلانتری امام رضا(ع)) بررسی های روان شناختی و مشاوره ای در مدت مرخصی این زن ۲۴ ساله از زندان، در دایره مددکاری اجتماعی کلانتری آغاز شد تا شاید او دست از قمار زندگی بردارد.

براساس ماجراهای واقعی در زیر پوست شهر

شرکت تعاونی مصرف کارکنان شبکه بهداشت و درمان شهرستان قوچان
آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم
نظربه اینکه مجمع عمومی سالیانه نوبت اول شرکت تعاونی مصرف کارکنان شبکه بهداشت ودرمان قوچان با شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۴۴۵۸۰ در مورخه ۱۴۰۴/۹/۱ به حد نصاب نرسیده است مجمع عمومی سالیانه نوبت دوم درمورخه ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ساعت ۱۳در محل سالن شبکه بهداشت شهرستان قوچان برگزار میگردد اعضاء محترم که تمایل کاندیدای بازرسی را دارند درخواست خود راتا ۵روز از زمان انتشار آگهی به دفتر شرکت ارائه نمایند هر عضو یا غیر عضو تنها میتواند یک وکالت داشته باشد.
دستور جلسه
گزارش هیئت مدیره و بازرسی
طرح و تصویب صورتهای مالی سال ۱۴۰۳
طرح و تصویب بودجه پیشنهادی سال مالی ۱۴۰۴
انتخاب بازرس اصلی و علی البدل سال مالی ۱۴۰۴
هیئت مدیره شرکت تعاونی مصرف کارکنان شبکه بهداشت و درمان قوچان
۱۵۷۷۶۹

آگهی مناقصه عمومی به شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۱۵۱۲۰۰۰۰۳۴ در سامانه ستاد ایران نوبت اول
شرکت لوله گستر اسفراین در نظر دارد تامین ۶ عدد تیغ اره گرم بر مورد نیاز خود را به شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۱۵۱۲۰۰۰۰۳۴ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید .لذا کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت ها ،از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.Setadiran.ir انجام خواهد شد. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت بر خط)برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.
تاریخ انتشار فراخوان:۱۴۰۴/۰۹/۰۴،مهلت دریافت اسناد فراخوان:۱۴۰۴/۰۹/۰۹
مهلت ارسال پیشنهادات : ۱۴۰۴/۰۹/۲۰،زمان بازگشایی پاکت ها:۱۴۰۴/۰۹/۲۲
مبلغ تضمین: ۱,۸۷۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال
مناقصه گزار در رد یا قبول هریک /کلیه پیشنهادات دریافتی،مختار است.
آدرس کارخانه:خراسان شمالی-اسفراین-کیلومتر۱۰ جاده اسفراین-بجنورد،شرکت لوله گستر اسفراین-تلفن تماس ۰۵۸۳۷۷۳۸۳۰۰
هزینه چاپ آگهی برعهده برنده مناقصه می باشد.
کمیسیون معاملات شرکت لوله گستر اسفراین
۱۵۷۸۲۹

آگهی مزایده عمومی به شماره فراخوان ۱۰۰۴۰۰۱۵۱۲۰۰۰۰۱۴ در سامانه ستاد ایران نوبت اول
شرکت لوله گستر اسفراین در نظر دارد ضایعات سیم مسی به مقدار ۴۰۰ کیلوگرم و براده برنج و برنز به مقدار ۵۰۰ کیلوگرم خود را به شماره فراخوان ۱۰۰۴۰۰۱۵۱۲۰۰۰۰۱۴ از طریق مزایده بفروش برساند .متقاضیان می توانند با مراجعه با سامانه ستاد به نشانی WWW.Setadiran.ir جهت رویت و ارائه پیشنهاد و تودیع سپرده شرکت در مزایده اقدام نمایند.
تاریخ انتشار فراخوان:۱۴۰۴/۰۹/۰۴،مهلت دریافت اسناد فراخوان:۱۴۰۴/۰۹/۰۹
مهلت ارسال پیشنهادات : ۱۴۰۴/۰۹/۲۰،زمان بازگشایی پاکت ها:۱۴۰۴/۰۹/۲۲
مبلغ تضمین: ۳۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
آدرس کارخانه:خراسان شمالی-اسفراین-کیلومتر۱۰ جاده اسفراین-بجنورد،شرکت لوله گستر اسفراین-تلفن تماس ۰۵۸۳۷۷۳۸۳۰۰
هزینه چاپ آگهی برعهده برنده مزایده می باشد.
مزایده گزار در رد یا قبول هریک /کلیه پیشنهادات دریافتی،مختار است
کمیسیون معاملات شرکت لوله گستر اسفراین
۱۵۷۸۱۷

آگهی مزایده عمومی به شماره فراخوان ۱۰۰۴۰۰۱۵۱۲۰۰۰۰۱۳ در سامانه ستاد ایران نوبت اول
شرکت لوله گستر اسفراین در نظر دارد بشکه های فلزی ۲۲۰ لیتری خود را به شماره فراخوان ۱۰۰۴۰۰۱۵۱۲۰۰۰۰۱۳ از طریق مزایده بفروش برساند .متقاضیان می توانند با مراجعه به سامانه ستاد به نشانی WWW.Setadiran.ir جهت رویت و ارائه پیشنهاد و تودیع سپرده شرکت در مزایده اقدام نمایند.

ردیف	نام کالا	تعداد(عدد)	مبلغ تضمین(ریال)
۱	بشکه های فلزی ۲۲۰ لیتری	۱۵۰۰	۵۳۰,۰۰۰,۰۰۰

تاریخ انتشار فراخوان:۱۴۰۴/۰۹/۰۴،مهلت دریافت اسناد فراخوان:۱۴۰۴/۰۹/۰۹
مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۴/۰۹/۲۰،زمان بازگشایی پاکت ها:۱۴۰۴/۰۹/۲۲
مزایده گزار در رد یا قبول هر یک /کلیه پیشنهادات دریافتی،مختار است.
آدرس کارخانه:خراسان شمالی-اسفراین-کیلومتر۱۰ جاده اسفراین-بجنورد،شرکت لوله گستر اسفراین-تلفن تماس ۰۵۸۳۷۷۳۸۳۰۰ هزینه چاپ آگهی برعهده برنده مزایده می باشد.
کمیسیون معاملات شرکت لوله گستر اسفراین
۱۵۷۸۰۹